

اثربخشی آموزش سبک های فرزندپروری بر میزان ناگویی هیجانی مادران در منطقه ۱۰ شهر
تهران

**The effectiveness of parenting styles training on the rate of alexithymia of
mothers in district 10 of Tehran**

Reyhaneh Norozi

M.A, Family Counseling, Islamic Azad University,
Central Tehran Branch, Iran

Email: r.e.h.no.c.97@gmail.com

Mojgan Mardani Rad

Assistant Professor, Faculty Member of Islamic Azad
University, Central Tehran Branch, Iran

ریحانه نوروزی*

کارشناسی ارشد، مشاوره خانواده، دانشگاه آزاد اسلامی واحد
تهران مرکزی-ایران.

مژگان مردانی راد

استادیار، عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران
مرکزی-ایران.

Abstract

This research aimed to evaluate the effectiveness of parenting styles training on mothers' alexithymia rate. The study method was experimental with pre-test post-test control group design. The statistical population consisted of 60 mothers referred to Quran cultural centers in district 10 of Tehran. Samples were 30 mothers selected through simple random sampling. Data collection tools were Baumrind parenting style questionnaire and Toronto alexithymia scale. For analysis, the Shapiro-Wilk (to check the normality of data) and covariance tests were used. The results indicated that parenting styles training had a significant effect on mothers' alexithymia.

Keywords: Parenting Styles, Alexithymia, Mother Education.

چکیده

هدف پژوهش، اثربخشی آموزش سبک های فرزندپروری بر میزان ناگویی هیجانی مادران می باشد. روش تحقیق در این پژوهش: روش آزمایشی با طرح پیش آزمون- پس آزمون با گروه کنترل است. جامعه آماری: شامل ۶۰ نفر از مادران مراجعه کننده به فرهنگسرای قرآن منطقه ۱۰ تهران می باشند. نمونه: ۳۰ نفر از بین مادران مراجعه کننده بود که از طریق نمونه گیری تصادفی ساده انتخاب شدند. ابزار جمع آوری اطلاعات: پرسشنامه های سبک فرزندپروری بامریند(۱۹۷۲)، ناگویی هیجانی تورنتو (۱۹۸۵)، که برای تجزیه و تحلیل از آزمون شاپیرو ویلک (جهت بررسی نرمال بودن داده ها) و از آزمون کوواریانس استفاده گردیده است. نتایج نشان می دهد که آموزش سبک های فرزندپروری بر میزان ناگویی هیجانی مادران تأثیر معناداری دارد.

واژه‌های کلیدی: سبک های فرزندپروری، ناگویی هیجانی، آموزش مادران.

مقدمه

فرزندپروری فعالیت پیچیده‌ای شامل روش‌ها و رفتارهای ویژه است که به طور مجزا یا در تعامل با یکدیگر بر رشد کودک تأثیر می‌گذارد. در واقع پایه و اساس شیوه فرزندپروری مبین تلاش‌های والدین برای کنترل و اجتماعی کردن کودکان‌شان است. البته باید توجه داشت که در این تعریف روش‌های بهنجار فرزندپروری مورد نظر است. بامریند، روش‌های فرزندپروری را بر اساس تفاوت‌های آن در کنترل فرزندان، متمایز کرده است. اگرچه والدین ممکن است در چگونگی کنترل و اجتماعی کردن فرزندان خود با یکدیگر تفاوت داشته باشند، ولی به نظر می‌رسد که همه‌ی والدین در تعلیم و تربیت و نظارت بر فرزندان، نقش اولیه را بر عهده دارند. تحقیقات معاصر در شیوه‌های فرزند پروری، از مطالعات بامریند روی کودکان و خانواده‌های آنان نشأت گرفته است. استنباط بامریند از شیوه‌های فرزند پروری بر روی یک رویکرد شیب‌شناسی بنا شده است. که بر روی ترکیب فرزند پروری متفاوت، متمرکز است. تفاوت در ترکیب عناصر فرزند پروری (مانند گرم بودن، درگیر بودن، درخواست‌های بالغانه، نظارت و سرپرستی) تغییراتی در چگونگی پاسخ‌های کودک به تأثیر والدین ایجاد می‌کند (دارلینگ و استرنبرگ، ۱۹۹۳).^۱ بامریند^۲ (۱۹۹۱) چهار شیوه فرزندپروری را نام می‌برد که عبارتند از: ۱- مقتدرانه: در این شیوه تربیتی، محبت و کنترل والدین نسبت به فرزندان، زیاد است. ۲- مستبدانه: والدین نسبت به فرزندان خود محبت کمتری دارند و همچنین بر فرزندان خود کنترل بسیاری به کار می‌گیرند. ۳- آسان‌گیرانه: والدین آسان‌گیر نسبت به فرزندان خود کنترل کمتری دارند و محبت نسبت به آن‌ها زیاد است و مهرورزی خط وسط الگوی موجود را به خود اختصاص می‌دهد. ۴- مسامحه‌کارانه: در این شیوه تربیتی، کنترل و محبت به فرزندان در کمترین سطح قرار دارد. هدف در فرزند پروری در چهار سبک مقتدرانه، مستبدانه، آسان‌گیرانه و مسامحه‌کارانه برای کنترل و اجتماعی کردن فرزندان است. سبک‌های فرزند پروری از جمله مفاهیمی است که مطرح‌کننده روش‌ها و فنون برخورد والدین با فرزندان در خانواده می‌باشد. دارلینگ و استرنبرگ (۱۹۹۳)^۳، (به نقل از حیدری خواه، ۱۳۹۰) سبک‌های فرزندپروری را منظومه‌ای از نگرش‌ها، نحوه برقراری ارتباط و روش نگهداری فرزند و همچنین جو عاطفی حاکم بر فضای رفتاری والدین تعریف می‌کنند. سبک‌های فرزندپروری از سه جنبه مورد بررسی قرار گرفته‌اند: اهداف مربوط به جامعه‌پذیری، عملکرد والدین در کسب اهداف از سوی فرزندان و جو عاطفی حاکم بر خانواده. منظور از اهداف، نتایج و غایت‌هایی است که والدین در جریان جامعه‌پذیری فرزندان خود در پی آن هستند. مقصود از عملکرد والدین نیز مجموعه کنش‌های پدر و مادر، در نهایت منظور از جو عاطفی، مجموعه روابط عاطفی، دلبستگی‌ها و انسجام میان اعضای دیگر خانواده می‌باشد (استرنبرگ، ۲۰۰۱).^۴ نوع سبک فرزندپروری که والدین از خود نشان می‌دهند بر رشد کودک تأثیر بسیاری می‌گذارد (بورن استین و زلوتنیک، ۲۰۰۸).^۵ پژوهش‌های مربوط به ارتباط والدین با کودک، که نگرش‌ها و اعمال والدین را در فرآیند فرزندپروری مورد بررسی قرار داده‌اند، تحت تأثیر کارهای بامریند و بوری^۶ (۱۹۹۱) قرار دارد که به طور کلی سه الگوی حاکم بر روابط والدین و فرزندان را مطرح کرده است: قاطع، سهل‌گیر و مستبد. بنابراین هر خانواده شیوه خاصی در تربیت فردی و اجتماعی فرزندان خویش به کار می‌گیرد. این شیوه‌ها که شیوه‌های فرزندپروری

^۱Darling and sternberg^۲baumrind^۳Darling and sternberg^۴sternberg^۵ Bornstein and Zlotnik^۶ Bamrind and Bori

نامیده می شود متأثر از عوامل مختلف فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و... است. شیوه های فرزندپروری به عنوان مجموعه یا منظومه ای از رفتارها که تعاملات والد- کودک را در طول دامنه ی گسترده ای از موقعیت ها توصیف می کند، تعریف شده است. که این شیوه ها یک جو تعاملی تأثیرگذار را به وجود می آورد (دارلینگ و استرنبرگ، ۱۹۹۳).^۷ و اما متغیر دیگر در این پژوهش، ناگویی هیجانی می باشد که عبارت است از: آشفتگی در کنش های عاطفی و شناختی، همراه با ناتوانی تبدیل انگیزش عاطفی تجربه ها به احساسات و تخیلاتی است که نماد و نشانه هیجان ها است. از ویژگی های ناگویی هیجانی می توان به توصیف مدام نشانه های جسمی به جای هیجان ها، گفتار و افکار عینی وابسته به وقایع بیرونی همچنین فقر و محدودیت زندگی تخیلی اشاره کرد (سیفونوس ۲۰۰۰).^۸ ناگویی هیجانی شامل سه خورده مقیاس (دشواری در شناسایی احساسات، دشواری در توصیف احساسات و تفکر عینی است که در زیر، هر یک از سه خورده مقیاس تعریف شده است): ۱- اشکال در تشخیص احساسات، عدم توانایی در جداسازی احساسات و تغییرات بدنی ناشی از تحریکات ذهنی: مشکل در شناسایی احساسات زمانی رخ می دهد که فرد در تمایز میان احساسات دچار پریشانی می شود. ۲- اشکال در توصیف و بیان احساسات خود برای دیگران: مشکل در توصیف احساسات هنگامی است که فرد نمی تواند آنچه را که به لحاظ هیجانی احساس کرده، بیان کند. ۳- تفکر معطوف به بیرون؛ تیلور، بگی و پارکر^۹ (۱۹۹۷). جهت گیری تفکر بیرونی زمانی رخ می دهد که فرد تمایل به تفکر درباره امور به صورت بیرونی و در تضاد با جهت گیری تفکر درونی دارد (لاند و همکاران، ۲۰۰۲). این پژوهش قصد دارد به این سؤال که آیا آموزش سبک های فرزند پروری بر میزان ناگویی هیجانی مادران تأثیر دارد، پاسخ دهد.

پیشینه پژوهش

در تحقیق حیاتی، زهرا؛ (۱۳۹۷)، یافته ها مبنی بر این است که میزان نشخوار فکر، ناگویی هیجانی در مادران کودکان عادی، کمی کمتر از مادران دارای کودکان کم توان ذهنی، می باشد. در پژوهش های ملکی اناری مرزی، زینت و غفاری، مجید (۱۳۹۵). یافته ها نشان داد که سبک والدینی آسان گیر بر دشواری در شناسایی و توصیف احساسات رابطه مستقیم و مثبت دارد. دشواری در شناسایی و توصیف احساسات در رابطه ی سبک والدینی مستبد بر هوش هیجانی نقش واسطه ای دارد. در تحقیق قلی پور، مریم (۱۳۹۷). نتایج نشان می دهد که بین سبک های فرزندپروری ادراک شده با ناگویی هیجانی ارتباط معناداری وجود دارد. همچنین نتایج بیانگر این است که بین سبک های فرزندپروری ادراک شده با عاطفه مثبت و منفی رابطه ی معنادار وجود دارد. در پژوهش احمدی، تیمور (۱۳۹۷). نتایج نشان می دهد که بین سلامت عمومی، سبک های فرزندپروری ادراک شده و حمایت اجتماعی با ناگویی هیجانی ارتباط معناداری وجود دارد. در تحقیق محمدی، غلامرضا (۱۳۹۵). نتایج نشان داد که آمادگی به اعتیاد با ناگویی هیجانی و فرزند پروری سهل گیرانه و فرزندپروری مستبدانه رابطه ی مثبت و با فرزندپروری مقتدرانه و دین داری رابطه منفی معنی دار داشت. نتیجه گیری نتایج نشان داد که ناگویی هیجانی و سبک های فرزندپروری و دین داری قادر به تبیین معنادار آمادگی به اعتیاد در نوجوانان می باشد. این پژوهش قصد دارد به این سؤال که آیا آموزش سبک های فرزند پروری بر میزان ناگویی هیجانی مادران تأثیر دارد، پاسخ دهد.

روش پژوهش

⁷ Darling and sternberg

⁸ Syphenus

⁹ Taylor·Bagby and Parker

¹ Land and et

این پژوهش از نوع روش آزمایشی با طرح "پیش‌آزمون-پس‌آزمون با گروه کنترل است. جامعه آماری مادران ساکن در منطقه ۱۰ شهرداری تهران» می‌باشد که در سال ۱۳۹۸ در این منطقه از تهران ساکن بوده و در برنامه‌های فرهنگسرای قرآن این منطقه شرکت می‌نمایند. نمونه آماری در این پژوهش تعداد ۶۰ نفر از مادران فرهنگسرای قرآن هستند که ۳۰ نفر از آن‌ها برای شرکت در دوره سبک‌های فرزندپروری اعلام آمادگی نمودند. و بصورت دسترس می‌باشد. (یعنی حجم نمونه ۳۰ نفر می‌باشد) که تعداد ۱۵ نفر از این افراد به عنوان گروه کنترل و تعداد ۱۵ نفر مابقی به عنوان گروه آزمایش در نظر گرفته شد. (لازم به ذکر است از ۱۵ نفری که به عنوان گروه کنترل و همچنین از ۱۵ نفری که به عنوان گروه آزمایش بودند، قبل و بعد از برگزاری کارگاه، آزمون گرفته شد). در این پژوهش از روش نمونه‌گیری تصادفی ساده استفاده شده است. (این دوره در بازه زمانی اسفند ۹۷ الی خرداد ۹۸ برگزار شد) گروه کنترل چه در مرحله پیش‌آزمون و چه در مرحله پس‌آزمون تحت مداخله متغیر مستقل قرار نمی‌گیرد و گروه آزمایش تحت مداخله متغیر مستقل (در این پژوهش دوره آموزش سبک‌های فرزندپروری) قرار می‌گیرد. در این تحقیق، از پرسشنامه‌های سبک فرزندپروری بامریند، ناگویی هیجانی تورنتو، و برای تجزیه و تحلیل از آزمون شاپیرو ویلک (جهت بررسی نرمال بودن داده‌ها) و از آزمون کوواریانس و نرم افزار SPSS استفاده گردیده است. در این پژوهش به ملاک‌های ورود و خروج و شرایط اخلاقی در درمان و همچنین روش استفاده شده جهت آموزش سبک‌های فرزندپروری پرداخته شده است: ملاک‌های ورود: ۱- مادران دارای فرزند زیر ۱۲ سال ۲- دارای حداقل سواد خواندن و نوشتن، ملاک‌های خروج: عدم وجود ملاک خروج از تحقیق. شرایط اخلاقی: ۱- پژوهشگر نسبت به رعایت اصول اخلاقی توسط همکاران، دستیاران، دانشجویان و کارمندان نیز مسئول است. ۲- پژوهشگر نسبت به ارزشیابی مطالعه‌اش در پیروی از اصول اخلاقی مسئولیت دارد. ۳- پژوهشگر باید به آزادی افراد برای مشارکت در پژوهش یا کناره‌گیری از آن در هر زمان احترام بگذارد. ۴- پژوهشگر موظف است آزمودنی‌ها را در تحقیق نسبت به مسئولیت‌هایشان آگاه ساخته و تمام جوانب را که در آزمودنی‌ها اثر می‌گذارد دقیقاً روشن نموده و سؤالات آن‌ها را به روشنی پاسخ دهد. ۵- اطلاعاتی که در ضمن اجرای تحقیق از شرکت‌کنندگان جمع‌آوری می‌شود، بایستی محرمانه بماند.

جدول ۱- پروتکل جلسات آموزش- روش لین کلارک (۱۹۳۸)

هدف	
جلسه اول	۱- آشنایی و معرفی (اعضا) ۲- پرداختن به اهمیت تعلیم و تربیت و تعریف آن ۳- اجرای پیش‌آزمون
جلسه دوم	۱- تعریف فرزندپروری ۲- معرفی سبک‌های فرزندپروری و خصوصیات هر سبک
جلسه سوم	۱- معرفی قواعد اساسی برای فرزندپروری موثر ۲- چگونگی استفاده از قوانین تقویت
جلسه چهارم	۱- معرفی اشتباهات شایع والدین ۲- روش‌های تنبیه مناسب، آشنایی با برخی ناسازگاری‌ها و مشکلات رایج کودکان و نحوه مواجهه‌ی مناسب با آن‌ها
جلسه پنجم	آشنایی با ویژگی‌ها و شرایط رشدی کودکان و تأثیر منفی جملات انتقادی و مایوس‌کننده
جلسه ششم	۱- مقایسه سبک‌های فرزندپروری با هم و کشف بهترین شیوه ۲- نتیجه‌گیری ۳- اجرای پس‌آزمون

ابزارهای پژوهش

پرسشنامه سبک‌های فرزندپروری

پرسشنامه ۳۰ سوالی شیوه‌های فرزندپروری (بامریند) که فرم اولیه این پرسشنامه دارای ۳۰ گویه است توسط دینا بامریند (۱۹۷۳) طراحی و ساخته شد. این پرسشنامه توسط حسین پور (۱۳۸۱) ترجمه شده است. این پرسشنامه شیوه‌های فرزندپروری والدین را در سه عامل اندازه‌گیری می‌کند. جمله‌های شماره ۲۱، ۲۴، ۲۸، ۱، ۶، ۱۰، ۱۳، ۱۴، ۱۷، ۱۹ به شیوه‌ی سهل‌گیرانه و جمله‌های شماره ۲۶، ۲۵، ۱، ۱۶، ۱۲، ۹، ۳، ۷، ۲، ۲۹ به شیوه‌ی استبدادی و جمله‌های شماره ۳۰، ۲۷، ۲۳، ۲۲، ۲۰، ۱۵، ۱۱، ۸، ۵، ۴ به شیوه‌ی قاطع و اطمینان بخش مربوط می‌باشد. که در مقابل هر عبارت ۵ ستون (کاملاً موافقم، تا حدودی موافقم، تا حدودی مخالفم، مخالفم، کاملاً مخالفم) به ترتیب از ۰ تا ۴ نمره گذاری شده است که با جمع نمره‌های سوال‌های مربوط به هر شیوه و تقسیم آن بر تعداد سوالات نمره مجزا بدست می‌آید. روایی و پایایی این پرسشنامه تأیید شده است بورای (۱۹۹۱) برای بررسی اعتبار و روایی این پرسشنامه از روش (افتراقی) استفاده نمود و مشاهده کرد که شیوه استبدادی، رابطه منفی با سهل‌گیری ($r=0/38$) و اقتدار منطقی ($r=0/48$) دارد. و شیوه سهل‌گیری، رابطه معنی‌داری با شیوه اقتدار منطقی نداشت ($r=0/7$) (مهرافروز، ۱۳۷۸). بورای (۱۹۹۱) برای محاسبه پایایی از روش (باز آزمایی) استفاده کرد و نتایج زیر را بدست آورد: $0/81$ برای شیوه سهل‌گیرانه، $0/86$ برای شیوه استبدادی، $0/78$ برای شیوه اقتداری. او همچنین (ثبات درونی) را با استفاده از فرمول (آلفای کرونباخ) محاسبه نمود که $0/75$ برای شیوه سهل‌گیری، $0/85$ برای شیوه استبدادی و $0/82$ برای شیوه اقتدار منطقی بدست آورد (مهرافروز، ۱۳۷۸). در انستیتوی روان‌پزشکی ایران نیز اسفندیاری (۱۳۷۴) فرم اصلی پرسشنامه را ترجمه و اصلاحات لازم را در آن صورت داد. سپس از تعداد ۱۰ نفر صاحب نظر در زمینه روان‌شناسی و روان‌پزشکی (۲ نفر دکترای روان‌شناسی، یک نفر روان‌پزشک، ۲ نفر کارشناسی ارشد روان‌شناسی، ۲ نفر دانشجوی دوره کارشناسی ارشد و ۳ نفر کارشناس روان‌شناسی) خواسته شد تا میزان اعتبار هر جمله را با زدن علامت مشخص نمایند و در صورت لزوم نظر اصلاحی خود را نیز بیان نموده و جمله پیشنهادی خود را اضافه نمایند. نتایج بدست آمده نشان داد که پرسشنامه مذکور دارای روایی (اعتبار) صوری است.

پرسشنامه ناگویی هیجانی

نسخه‌ی فارسی مقیاس ناگویی هیجانی تورنتو^۱ (بگبی، پارکر و تیلور، ۱۹۹۴) یک آزمون ۲۰ ماده‌ای است و سه زیر مقیاس دشواری در شناسایی احساسات، دشواری در توصیف احساسات و تفکر عینی را در مقیاس پنج درجه‌ای لیکرت از نمره‌ی ۱ (کاملاً مخالف) تا نمره‌ی ۵ (کاملاً موافق) می‌سنجد. یک نمره‌ی کل نیز از جمع نمره‌های سه زیر مقیاس برای ناگویی هیجانی کلی محاسبه می‌شود. این مقیاس برای اجرا در نمونه‌های عمومی و بالینی مناسب است و می‌تواند برحسب شرایط به صورت فردی یا گروهی اجرا شود. ویژگی‌های روان‌سنجی مقیاس ناگویی هیجانی تورنتو - ۲۰ در پژوهش‌های متعدد خارجی (پارکر، تیلور و بگبی، ۲۰۰۱، ۲۰۰۳؛ تیلور و بگبی، ۲۰۰۱) و نسخه‌ی فارسی مقیاس ناگویی هیجانی تورنتو - ۲۰ (FTAS-20) (بشارت، ۲۰۰۷ الف، ۲۰۰۷ ب، ۲۰۰۸) تأیید شده است. روش نمره‌گذاری: ابتدا نمره‌های شماره ۴، ۵، ۱۰، ۱۸ و ۱۹ را معکوس کرده (۵=۱، ۴=۲، ۲=۴، ۱=۵) در این حالت ۳=۳ است. سپس، نمره هر گزینه به این صورت مشخص می‌شود: کاملاً مخالف=۱، مخالف=۲، نه مخالف، نه موافق=۳، موافق=۴، کاملاً موافق=۵. سپس نمره هر یک از زیرمقیاس‌های سه‌گانه شامل دشواری در شناسایی احساسات، دشواری در توصیف احساسات و تفکر عینی، با جمع نمره‌های تعداد ماده‌های هر زیر مقیاس محاسبه می‌شود: دشواری در شناسایی احساسات (۱، ۳، ۶، ۷، ۹، ۱۳، ۱۴)، دشواری در توصیف احساسات (۲، ۴،

¹ Boray
¹ Boray
¹ Toronto
¹ Bagby, Parker and Taylor
¹ Parker, Taylor and Bagby
¹ Taylor and Bagby

۱۱، ۱۲، ۱۷)، تفکر عینی (۵، ۸، ۱۰، ۱۵، ۱۶، ۱۸، ۱۹، ۲۰). برای محاسبه نمره کل ناگویی هیجانی، نمره هر ماده را جمع کنید.

یافته ها

جدول ۲- توزیع فراوانی پاسخگویان برحسب "سن"

گروه آزمایش				گروه کنترل			
درصد خالص	درصد	فراوانی		درصد خالص	درصد	فراوانی	
20.0	20.0	3	زیر ۳۰ سال	26.7	26.7	4	زیر ۳۰ سال
66.7	66.7	10	۳۰ تا ۴۰ سال	53.3	53.3	8	۳۰ تا ۴۰ سال
13.3	13.3	2	بالای ۴۰ سال	20.0	20.0	3	بالای ۴۰ سال
100.0	100.0	15	جمع	100.0	100.0	15	جمع

مد یا بیشترین فراوانی در گروه کنترل و آزمایش به ترتیب مربوط به سنین ۳۴ سال و ۴۰ سال و میانه در گروه کنترل و آزمایش به ترتیب ۳۴ و ۳۷ و نیز میانگین در گروه کنترل و آزمایش به ترتیب ۳/۶۷ و ۳۵/۴۷ می باشد.

جدول ۳- توزیع فراوانی پاسخگویان برحسب "میزان تحصیلات"

گروه آزمایش				گروه کنترل			
درصد خالص	درصد	فراوانی		درصد خالص	درصد	فراوانی	
33.3	33.3	5	سیکل	13.3	13.3	2	سیکل
40.0	40.0	6	دیپلم	40.0	40.0	6	دیپلم
13.3	13.3	2	فوق دیپلم	6.7	6.7	1	فوق دیپلم
6.7	6.7	1	لیسانس	26.7	26.7	4	لیسانس
6.7	6.7	1	فوق لیسانس	6.7	6.7	1	فوق لیسانس
				6.7	6.7	1	دکتر
100.0	100.0	15	جمع	100.0	100.0	15	جمع

مد یا بیشترین فراوانی در گروه کنترل و آزمایش مربوط به تحصیلات دیپلم می باشد.

جدول ۴- توزیع فراوانی پاسخگویان برحسب "شغل"

گروه آزمایش				گروه کنترل			
درصد خالص	درصد	فراوانی		درصد خالص	درصد	فراوانی	
66.7	66.7	10	خانه دار	80.0	80.0	12	خانه دار
26.7	26.7	4	مربی	13.3	13.3	2	مربی
6.7	6.7	1	پزشک	6.7	6.7	1	پزشک
100.0	100.0	15	جمع	100.0	100.0	15	جمع

مد یا بیشترین فراوانی در گروه کنترل و آزمایش مربوط به شغل خانه داری می باشد.

جدول ۵- مربوط به مقایسه میانگین ابعاد ناگویی هیجانی (دشواری در شناسایی احساسات ، دشواری در توصیف احساسات و تفکر عینی) در دو گروه آزمایش و کنترل با پیش‌آزمون و پس‌آزمون

Tests of Between-Subjects Effects

ابعاد متغیر ناگویی هیجانی	منبع	مجموع مجزورات	درجه آزادی	مرحله / گروه	میانگین	F	سطح معناداری
دشواری در شناسایی احساسات	Corrected Model	507.879(a)	2	پیش‌آزمون کنترل	17.47	5.826	.008
	Intercept	466.943	1	پس‌آزمون کنترل	16.53	10.713	.003
	میزان ناگویی هیجانی	231.846	1	پیش‌آزمون آزمایش	18.47	5.319	.029
	گروه	418.697	1	پس‌آزمون آزمایش	11.93	9.606	.004
	خطا	1176.821	27	جمع	16.10		
دشواری در توصیف احساسات	Corrected Model	39.718(a)	2	پیش‌آزمون کنترل	14.13	3.958	.031
	Intercept	156.312	1	پس‌آزمون کنترل	12.73	31.151	.000
	دشواری در توصیف احساسات	1.185	1	پیش‌آزمون آزمایش	15.33	6.236	.031
	گروه	39.714	1	پس‌آزمون آزمایش	10.47	7.915	.009
	خطا	135.482	27	جمع	13.17		
تفکر عینی	Corrected Model	128.103(a)	2	پیش‌آزمون کنترل	15.53	4.262	.025
	Intercept	244.567	1	پس‌آزمون کنترل	17.87	16.274	.000
	تفکر عینی	123.303	1	پیش‌آزمون آزمایش	18.20	8.205	.008
	گروه	.968	1	پس‌آزمون آزمایش	18.67	.064	.802
	خطا	405.763	27	جمع	17.57		

بحث و نتیجه گیری

در جدول بالا نتایج آزمون کوواریانس برای مقایسه میانگین نمره ابعاد "دشواری در شناسایی احساسات"، "دشواری در توصیف احساسات" و "تفکر عینی" متغیر ناگویی هیجانی در دو گروه آزمایش و کنترل با پیش‌آزمون و پس‌آزمون آورده شده است. نتایج آماره‌های استخراج شده نشان می‌دهد نمره شاخص دشواری در شناسایی احساسات و نمره شاخص دشواری در توصیف احساسات در پس‌آزمون آزمایش به طور محسوس کاهش یافته است. و همچنین نمره شاخص تفکر عینی در پس‌آزمون آزمایش تغییر محسوس نداشت. در این پژوهش از آزمون کوواریانس برای تأثیر آموزش سبک های فرزند پروری بر میزان ناگویی هیجانی مادران، استفاده گردید که نشان داد بین آموزش سبک های فرزندپروری با ناگویی هیجانی مادران تأثیر معنادار وجود دارد. مطالب ارائه شده در کارگاه آموزشی به صورت محسوس و معناداری میزان ناگویی هیجانی را بهبود بخشیده است. که این نتیجه با نتایج کازاره (۱۳۹۴) و کوله مرز (۱۳۹۱) همسو بوده و مطابقت داشت. و همچنین با پژوهش شجری و حجازی (۱۳۹۸) با عنوان نقش میانجی سازگاری تحصیلی در رابطه بین سبک های فرزندپروری والدین با بلوغ عاطفی و ناگویی خلقی در دانش آموزان دختر شهر زنجان نیز مطابقت دارد. تحقیقات این افراد نشان داد که بین سبک فرزندپروری مستبدانه با مؤلفه ی دشواری در توصیف احساسات و سبک مقتدر با ناگویی خلقی کل و تمامی مؤلفه های آن نیز، رابطه ی معناداری وجود دارد

و همینطور با نتایج قلی پور، احمدی، جعفرزاده و ذورقی (۱۳۹۷)، شاهقلیان، مرادی و کافی (۱۳۸۷)، عیسی زادگان و فتح آبادی (۱۳۹۲)، حاتمی و همکاران (۱۳۹۳)، بشرپور و همکاران (۱۳۹۴)؛ تیلور و بگی (۲۰۰۴)، مطابقت دارد. در تبیین یافته ها می توان گفت سبک فرزندپروری قاطع باعث افزایش عواملی چون عزت نفس، نظم دهی هیجانی در مادران خواهد شد و این عامل در کاهش ابعاد ناگویی هیجانی (دشواری در شناسایی و توصیف احساسات و تفکر عینی) آن ها اثرگذار خواهد بود. پارکر، تیلور و بگی (۱۹۹۳) در پژوهشی با عنوان بررسی ناگویی هیجانی و مشکلات بین شخصی نشان داده اند که افراد مبتلا به ناگویی هیجانی در شناسایی صحیح هیجان ها از چهره ی دیگران مشکل دارند. فوکونیشی و همکاران (۱۹۹۷) گزارش کردند که در مطالعه دانشجویان دارای تجربه مراقبت مادری ضعیف، آزمودنی ها، مخصوصا در زمینه دشواری ابراز احساسات، ویژگی های ناگویی هیجانی را نشان دادند. بشارت (۱۳۸۸) ب) در تحقیق بر روی دانشجویان دانشگاه تهران دریافت که ناگویی خلقی با مشکلات بین فردی همبستگی مثبت دارد. براساس این یافته ها می توان گفت اگر مادران براساس سبک فرزندپروری مقتدرانه عمل کنند در کاهش ناگویی هیجانی آن ها اثرگذار خواهد بود. محدودیت ها شامل: عدم حضور پدران در دوره آموزش سبک های فرزندپروری؛ تنها ابزار جمع آوری اطلاعات در این پژوهش، پرسشنامه بود که جنبه خودگزارشی دارد؛ وجود محدودیت مکانی (این تحقیق در شهر تهران صورت گرفته است و نمی تواند نتایج آن به شهرهای دیگر تعمیم داده شود) پیشنهادات: در تحقیقات بعدی پیشنهاد می شود پژوهشگران در تحقیق خود به عامل همسان بودن شرکت کنندگان از لحاظ وضعیت اجتماعی- اقتصادی و تفاوت های فرهنگی در دوره آموزش سبک های فرزندپروری، توجه کنند. و همچنین عامل تغذیه و مزاج شناسی (طبع گرمی و سردی) والدین نیز با مولفه های ناگویی هیجانی، مورد سنجش قرار گرفته شود.

تعارض منافع

تعارض منافع ندارم.

منابع

- [۱] احمدی، تیمور (۱۳۹۷). رابطه ی سلامت عمومی، سبک های فرزندپروری ادراک شده و حمایت اجتماعی با ناگویی هیجانی. پنجمین کنفرانس بین المللی روانشناسی، علوم تربیتی و سبک زندگی.
- [۲] بگیان کوله مرز، محمدجواد. درتاج، فریبرز و محمد امینی، مهدی (۱۳۹۱). مقایسه ناگویی خلقی و کنترل عواطف در مادران دانش آموزان با و بدون ناتوانی یادگیری. مجله ناتوانی یادگیری، ۲(۲/۶-۴۲)، ۶-۲۴.
- [۳] بشارت، محمدعلی (۱۳۸۸) ب). ناگویی هیجانی و مشکلات بین شخصی. مطالعات تربیتی و روانشناسی دانشگاه فردوسی، ۱۰(۱)، ۱۲۹-۱۴۵.
- [۴] حیاتی، زهرا (۱۳۹۷). مقایسه نشخوار فکر، ناگویی هیجانی در مادران دارای کودکان کم توان ذهنی و مادران کودکان عادی. ششمین همایش علمی پژوهش علوم تربیتی و روانشناسی، آسیب های اجتماعی و فرهنگی ایران.
- [۵] شاهقلیان، مهناز، مرادی، علیرضا و کافی، موسی (۱۳۸۶). رابطه الکسی تیمیا با سبک های ابراز هیجان و سلامت عمومی در دانشجویان. مجله روانپزشکی و روانشناسی بالینی ایران. ۱۳(۳)، ۲۳۸-۲۴۸.
- [۶] شجری، خدیجه و حجازی، مسعود (۱۳۹۸). نقش میانجی سازگاری تحصیلی در رابطه بین سبک های فرزندپروری والدین با بلوغ عاطفی و ناگویی خلقی در دانش آموزان دختر شهر زنجان. دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد زنجان. دوره ۶. شماره ۲.
- [۷] عیسی زادگان، علی و فتح آبادی، جلیل (۱۳۹۱). نقش راهبردهای نظم دهی شناختی هیجان و سلامت عمومی در ناگویی خلقی. روانشناسی تحولی: روانشناسی ایرانی، ۸(۳۱)، ۲۵۹-۲۶۹.

- [۸] قلی پور، مریم (۱۳۹۷). رابطه ی بین سبک های فرزندپروری ادراک شده با ناگویی هیجانی با نقش واسطه ای عواطف مثبت و منفی . پنجمین کنفرانس بین المللی روانشناسی، علوم تربیتی و سبک زندگی.
- [۹] محمدی، غلامرضا (۱۳۹۵). نقش دین داری، سبک های فرزندپروری و ناگویی هیجانی در آمادگی به اعتیاد نوجوانان . فصل نامه طب انتظامی، ۵ (۳): ۲۱۲-۲۰۵ .
- [۱۰] ملکی اناری مرزی، زینت و غفاری، مجید(۱۳۹۵). نقش واسطه ای ناگویی هیجانی بر رابطه ی سبک های فرزندپروری ادراک شده و هوش هیجانی دانشجویان، سومین کنفرانس بین المللی نوآوری های اخیر در روانشناسی، مشاوره و علوم رفتاری، تهران، مؤسسه آموزش عالی نیکان.